

Documentary and Argumentative Analysis on Simile Used in Hadiths to Compare “Faith (Or Action) Corrupted with Wrath” with “Honey Spoiled with Vinegar”

Mustafa Hamadani¹

Abstract

One of main hadiths theme has long history among shia and sunni communities is to compare “faith or action (according to different quotes) corrupted with wrath” with “honey spoiled with vinegar” the question raised for the writer about the fiqh al-hadithi analysis of these hadiths is whether sekanjabin made of honey and vinegar is tasty and beneficial syrup. The answer to this question is yes. Then why did these narratives introduce vinegar as factor of honey spoilage? The expositors of the these narratives, who were influenced by philosophical attitudes of peripatetic teachers, analyzed honey spoilage and interpreted it as physical change of honey, its dissolution. And loss of its distinctive features such as sweetness. The current paper analyzes the document of narratives and makes sure of these narratives main theme about comparing “faith corrupted with wrath” with “honey spoiled with vinegar.” Then the current paper criticizes Shia and Sunni hadith narrators who say that honey is not spoiled with vinegar but its physical nature is changed. In order to achieve the correct interpretation of this narrative, this study not only looks for accurate methods of critique and the comprehension of the narratives, but also uses new scientific analysis of vinegar and honey. The chemical reaction which happens between two structures (i.e. honey and vinegar) is the effect of *Drosophila melanogaster* (also known as vinegar fly or fruit fly) on the honey and its sugar leading to the spoilage, fermentation and rancidity of honey over time. Therefore, the honey spoilage is accepted as literary meaning without deviating from the apparent meaning of hadith. The current study come to a conclusion that “fermentation spoilage” that happens to honey in the vicinity of vinegar is chemical effect of vinegar fly on honey without their combination. The final results that come out of these narratives have nothing to do with tasty sekanjabin that is produced by combination of honey and vinegar.

Keywords

Belief, Wrath, Vinegar, Honey, Sekanjabin.

Citation: Hamadani, M. (2019). Documentary and Argumentative Analysis on Simile Used in Hadiths to Compare “Faith (Or Action) Corrupted with Wrath” with “Honey Spoiled with Vinegar”. *Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith*. Vol. 6, No. 1 (Serial. 11), pp153-173. (In Persian)

1. Graduate of Advanced Fiqh (Islamic Jurisprudence) and philosophy from Qom Seminary.
Email: ma13577ma@gmail.com

Received on: 14/05/2018

Accepted on: 11/07/2018

DOI: 10.30479/mfh.1398.1818

تحلیل سندی و دلالتی روایات تشبیه «فساد ایمان (یا عمل) با غضب» به «فساد عسل با سرکه»

مصطفی همدانی^۱

چکیده

یکی از مضامین روایی در جوامع شیعه و سنی، تشبیه فساد ایمان یا عمل (طبق تفاوت نقل‌ها) با غضب، به فساد عسل با سرکه است. چالشی که در تحلیل فقه‌الحديث این روایات فراروی محقق نهاده می‌شود این است که مگر مخلوط عسل با سرکه که سکنجبین باشد خود یک شربت گوارا و داروی مفید نیست؟ پس چرا این روایات، سرکه را فاسد کننده عسل معرفی فرموده‌اند؟! شارحان این روایات معمولاً با تأثر از نگرش فلسفی حکیمان فلسفی مشاء به تحلیل فساد پرداخته و آن را به معنای فساد صورت عسل و انحلال آن و از بین رفتن آثار مشخصه آن چون شیرینی و ... انگاشته‌اند. جستار فراروی پس از ارزیابی سند روایات و اطمینان از صدور مضمون اصلی این روایات که تشبیه فساد ایمان با غضب به فساد سرکه با عسل باشد، دیدگاه مسلط که خلاف ظاهر است را به بوت‌نقد نشانده است. این پژوهش سپس در راستای دستیابی به تفسیر صحیح حدیث، علاوه بر استمداد از روش‌های دقیق نقد و فهم حدیث، تحلیل‌های علمی جدید در ماهیت سرکه و عسل و تعامل متصور در میان این دو ساختار شیمیایی یعنی تأثر عسل و قندهای آن از پشه سرکه (*Drosophila Melanogaster*) که محصول آن خرابی و تخمیر و ترشیدگی عسل در طول زمان است را نیز دستمایه قرار داده و در نتیجه بدون عدول از ظاهر حدیث، فساد را بر همان معنای لغوی خود وانهاده است و آن را به معنای «فساد تخمیری» و محصول همجواری سرکه و عسل (بدون مخلوط شدن با هم) و تأثر فاکتورهای شیمیایی موجود در عسل از پشه سرکه معرفی کرده است. نتیجه نهایی اینکه این روایات، هیچ ربطی به سکنجبین که محصول امتزاج و حل شدن این دو درهم است ندارند.

کلیدواژه‌ها

ایمان، غضب، سرکه، عسل، سکنجبین، فقه‌الحديث.

استناد: همدانی، مصطفی (۱۳۹۸). تحلیل سندی و دلالتی روایات تشبیه «فساد ایمان (یا عمل) با غضب» به «فساد عسل با سرکه»، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۶ (۱)، پیاپی ۱۱، صص ۱۵۳-۱۷۳.

۱. دانش آموخته خارج فقه و فلسفه - استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم. ma۱۳۵۷۷ma@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۰

۱. طرح مسأله

روایات متعددی در متون روایی فریقین در نکوهش غضب نقل شده است که نقش منفی آن در فاسد کردن ایمان یا عمل (یا اختلافی که در این روایات وجود دارد) را به کژکارکرد سرکه در فاسد کردن عسل تشبیه کرده‌اند. معنای ظاهری این روایات یعنی خراب شدن عسل در اثر اختلاط با سرکه، با مشاهده شخصی سازگار نیست. این روایات در متون عرفانی و اخلاقی (غزالی، بی‌تا، ۸: ۹۱؛ نراقی، بی‌تا، ۱: ۳۴۳) و فقهی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۲: ۳۶۶؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ۱: ۴۹۵؛ خمینی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۷۸۶؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۵۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۵: ۲۸۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۴۲۵) نیز مطرح شده بنابراین دارای کاربرد فراوانی در ساحت‌های مختلف معارف اسلامی است اما متأسفانه شرحی بر آن‌ها ارائه نشده است جز در برخی جوامع روایی که در ادامه این شروع روایی نقد و بررسی خواهند شد.

بحث ارزیابی و اعتبارسنجی روایات در موازنه با تحقیقات علوم تجربی و کارکردهای آن، مانند رد حدیث مخالف علوم تجربی قطعی و یا دگرگونی فهم حدیث در اثر قضایای این علوم و امثال این مباحث در برخی کتب علوم حدیث معاصر مورد توجه قرار گرفته (رک به: مسعودی، ۱۳۸۹ش، ۲۰۱-۲۰۷؛ ربانی، ۱۳۹۶ش، ۱۸۸) و نیز پژوهش‌های مختلفی به نقد و بررسی روایات معارض با علم پرداخته‌اند که به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

۱. مقاله حدیث ذباب: آموزه‌ای طبی یا حدیثی مجعول، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث؛ تالیف آقای علی نصیری.
۲. مقاله نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی با تأکید بر روایت تلقیح خرما، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، تالیف آقای علی نصیری.
۳. مقاله بررسی حدیث «تأبیر النخل» (ادعای خطای علمی پیامبر (ص) در لقاح و زوجیت گیاهان)، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، تالیف آقای محمدعلی رضایی اصفهانی.
۴. مقاله کاوشی در روایت تأبیر النخل، فصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، تالیف آقای حمیدرضا فهیمی تبار.
۵. مقاله معرکه الذباب، مجله الرساله، تالیف آقای محمود ابوریه.
۶. کتاب حدیث و علوم جدید، انتشارات جامعه المصطفی، تالیف آقای محمدعلی رضایی اصفهانی.

اما تاکنون تحقیقی یافت نشده است که به تحلیل روایاتی که ضمناً به فساد عسل در مواجهه با سرکه پرداخته باشد. برخی چون دکتر عبدالرضا علی هم که بنا بر شرح علمی روایات دارد، با وجود طرح این روایات آن‌ها را شرح نداده است (علی، ۱۴۲۴ق، ۲۲۲).

پرسش پژوه فرارو تحلیل علمی فساد عسل با سرکه در این روایات است که به پنج پرسش فرعی تجزیه می‌شود:

۱. آیا این روایات دارای وثاقت صدوری هستند؟
۲. آیا دلالت این روایات یعنی فساد عسل با سرکه صحیح است؟
۳. اگر سرکه عسل را فاسد می‌کند، آیا اندیشه مشهور محدثان در شرح این فساد با روش استنباط از روایات سازگار است؟
۴. اگر سرکه عسل را فاسد می‌کند، آیا اندیشه مشهور محدثان در شرح این فساد با تحقیقات علمی تجربی سازگار است؟
۵. اگر اندیشه مشهور محدثان در شرح این فساد با تحقیقات علمی تجربی سازگار نیست، چه تبیینی در تحلیل این روایات که با علم قطعی ناسازگار نباشد وجود دارد؟

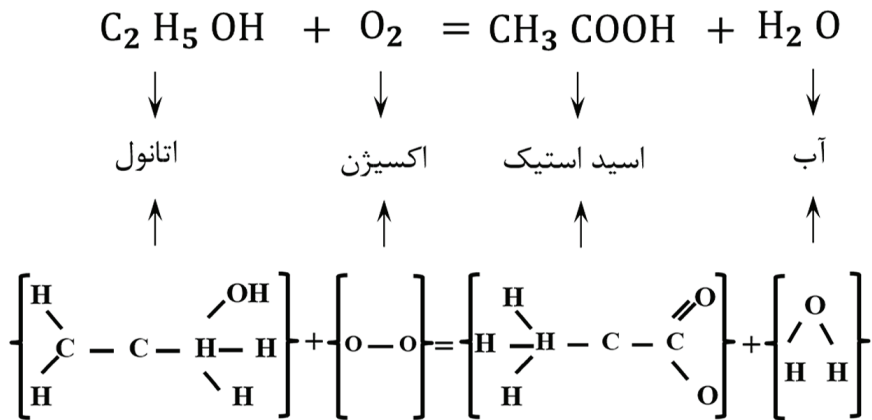
۲. مفاهیم تحقیق

چهار مفهوم سرکه، عسل، سکنجبین و فساد در این تحقیق نیاز به توضیح علمی و احیاناً لغوی دارند که این توضیحات در استدلال‌های نگارنده در نقد مشهور و تبیین بر اندیشه مختار به کار می‌آیند:

- ۱- سرکه: اولین روزگاری که بشر به سرکه دست یافته است را ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (ع) تخمین زده‌اند (Deppenmeier & Hoffmeister & Prust, 2002, 236) و به نظر می‌رسد اولین نگهدارنده زیستی باشد که بشر به آن دست یافته و اکنون روزانه یک میلیون لیتر در جهان مصرف دارد (Robert, 2006, 397-417).
- سرکه محصول فرآیند تخمیر است. تخمیر گاهی به نفع سیستم غذایی انسان است گاهی خیر. ترش شدن شیر نمونه‌ای از تخمیر منفی است که آن را فاسد می‌کند (برآگ و برآگ، ۱۳۸۰ش، ۱۲۴). در تخمیر مفید شیر که پنیر تولید می‌شود، قند شیر به وسیله باکتری استروپتوکوکوس لاکتیس تخمیر و در آن اسید لاکتیک تولید می‌شود و در اثر فعالیت این باکتری‌ها شیر دلمه و لخته شده و پنیر می‌شود (همان، ۱۲۵-۱۲۶). تخمیر

Archive of SID

سرکه دو مرحله‌ای است. در مرحله اول، مخمرهای غیرهوازی قند را به اتانول که نوعی الکل است تبدیل می‌کنند و در مرحله دوم، باکتری‌های هوازی، اتانول را به کمک اکسیژن هوا به اسید استیک و آب تبدیل می‌کنند (Martin R. Adams, 2008, 356) Maurice & (Maurice & Robert, 2006). باکتری‌های هوازی، Acetobacter نام دارد که یک میکروارگانیزم است که در تبدیل اتانول به سرکه فعالیت دارد. تبدیل اتانول به اسید استیک و آب با ترکیب اکسیژن و اتانول و در فرآیندی که اکسیداسیون نام دارد انجام می‌شود (Robert, 2006, 398). یک لیتر از اتانول باید ۱/۰۳۶ کیلوگرم اسید استیک و ۰/۳۱۳ کیلوگرم آب به شرح نمودار شماره ۱ تولید کند:



نمودار شماره ۱: فرآیند تولید سرکه از شراب؛ منبع: Martin R. Adams, 2008, 357

(Maurice &

۲- **عسل**: سابقه بهره بردن از عسل به بین‌النهرین می‌رسد (لوک دارگیل، ۱۳۷۰ ش، ۴۵). عسل از قندهای مونوساکارید (ساده) با عنوان گلوکوز و فروکتوز تشکیل همراه ویتامین‌ها و مواد معدنی و دیاستازها و عناصر معطر و ... شده است (همان، ۴۷-۴۸، ۵۱). در عسل ۲۰ درصد آب و ۷۵ تا ۷۹ درصد قند که اکثراً ساده مانند گلوکوز و فروکتوز و دکستروز و ۵ تا ۹ درصد قندهای پلی ساکارید (ترکیبی) بالاخص ساکاروز است. باقیمانده پروتئین‌ها و مواد معدنی، ویتامین‌ها و عناصر معطر و ... است (همان، ۷۱؛ همچنین نک به: Giudici, 2009, 2).

۳- **سکنجبین**: سکنجبین لغتی فارسی و محصول ترکیب سرکه و انگبین است که

در زبان عربی هم رسوخ یافته است (ابن عدیم، ۱۳۶۴ ش، ۱: ۱۸۲). اختلاط سرکه و عسل، حقیقی است و اجزای اختلاطی در هم استحاله می‌شوند و از ترکیب آن دو با آب، صورتی جدید ایجاد می‌شود که سکنجبین نام دارد (ابن رشد، ۱۳۷۷ ش، ۱: ۹۵). این تغییر در عرف کنونی، تغییر شیمیایی نام دارد. سکنجبین در ترکیب اولیه خود که «سکنجبین ساده» نام دارد، تنها سرکه و عسل است که در طب یونانی اکسومالی (Oxymels) نام دارد یعنی شربت مرکب از عسل و سرکه (رازی، ۱۳۸۴ ش، ۶۲؛ همچین نک به: ابن نفیس، ۱۴۲۶ ق، ۱۷۱). گاهی به جای عسل از شکر هم می‌توان استفاده کرد (ابن سهل، ۱۴۲۶ ق، ۴۱۵). سکنجبین صورتی نو غیر از صورت سرکه و عسل است و محصول ممزوج شدن آن‌هاست (ابن هندو، ۱۳۶۸ ش، ۱۰۰-۱۰۱). سکنجبین کاربردهای طبی زیادی در اصلاح مزاج گرم و امراض سر و سینه، معده، ورم طحال، اعصاب و روان و تب‌ها و غیره در طب سنتی دارد (ابن سینا، ۱۴۲۶ ق، ۱: ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۶۰؛ ۲: ۲۲۳، ۲۸۳، ۳۰۱؛ ۳: ۳۵، ۳۷، ۱۰۴، ۲۴۸؛ ۴: ۸۶، ۱۰۸).

۴- فساد: لغویان، تحلیلی دقیق از فساد ارائه نکرده‌اند و فساد را نقیض صلاح ذکر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۷: ۲۳۱؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸ م، ۲: ۶۴۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۱: ۳۸۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ۲: ۵۱۶) و در ذیل صلح هم آن را ضد فساد معرفی کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ ق، ۴: ۱۴۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ۱: ۳۸۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۳۰۳) و به نظر می‌رسد ایشان معنای فساد و صلاح را واضح انگاشته‌اند و تنها ابوهلال عسکری گفته است: «الصَّالِحُ وَضَعُ الشَّيْءِ عَلَى صِفَةِ يُنْتَفَعُ بِهِ» (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ۲۰۶) که به نظر می‌رسد ایشان معنای واضح این لغات را با این تفسیر به خوبی به زبان علمی بیان کرده‌اند.

تبیین علمی فساد، از مطالب کلیدی و تقریباً محوری‌ترین بحث این پژوهش و دالّ مرکزی آن است که در بحث فقه‌الحدیثی ارائه خواهد شد.

۳. روایات تشبیه فساد ایمان یا عمل با غضب به فساد عسل با سرکه

از آنجا که نقل روایتی در جوامع فریقین باعث افزایش اعتبار سندی روایت است و نیز روایات اهل سنت می‌تواند قرآنی در فهم برخی روایات شیعی باشند، از این رو روایات این موضوع در دو بخش شیعی و سنی به شرح زیر ارائه می‌شوند. البته برخی روایات بخش شیعی هم صرفاً در کتب شیعی هستند نه از طرق شیعی.

الف- روایات این موضوع در جوامع روایی شیعه

۱- «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۲۱).

۲- «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى بَعْضِ أَتْبَائِهِ الْخُلُقُ السَّيِّئُ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۲۲).

۳- «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْخُلُقُ السَّيِّئُ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (صدوق، ۱۳۷۸ش، ۲: ۳۷).

۴- «مِنْ كِتَابِ النُّبُوَّةِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ أَنَا أَدَيْبُ اللَّهِ وَعَلَى أَدَيْبِي أَمْرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَالْبِرِّ وَنَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَالْجَفَاءِ وَمَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ وَإِنَّهُ لَيَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ۱۷).

۵- «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْغَضَبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۰۲).

۶- «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۰۲).

۷- «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْغَضَبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسْلَ وَكَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (ابن اشعث، بی تا، ۱۶۳).

۸- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْغَضَبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ أَوْ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسْلَ» (راوندی، بی تا، ۱۷).

ب- روایات این موضوع در جوامع روایی اهل سنت

۱- «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، نَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عُمَرَ، نَا أَبُو دَاوُدَ، نَا النَّضْرُ بْنُ مَعْبُدٍ أَبُو قُحْدَمٍ، عَنِ ابْنِ سِيرِينَ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ»» (ابوالشیخ، ۱۴۰۸ق، ۳۳۳).

۲- «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْحُلَوَانِيُّ قَالَ: نَا سَعِيدُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ: نَا عَيْسَى بْنُ مَيْمُونٍ قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ كَعْبِ الْقُرْظِيِّ، يَقُولُ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ يَذِيبُ الْخَطَايَا كَمَا يَذِيبُ الْمَاءُ الْجَلِيدَ، وَالْخُلُقُ السَّوُّهُ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (طبرانی، المعجم الاوسط، ۱: ۲۵۹).

۳- «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، قَالَا: نَا شَيْبَانُ، نَا عَيْسَى بْنُ مَيْمُونٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ، وَقَالَ ابْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ كَعْبِ الْقُرْظِيِّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَذِيبُ الْخَطَايَا كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ» زَادَ ابْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ: «وَإِنَّ الْخُلُقَ السَّيِّئَ يَفْسِدُ الْعَمَلَ، كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (بيهقی، ۱۴۲۳ق، ۱۰: ۳۸۶).

۴- «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ، حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةِ الْأَحْمَسِيُّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يَذِيبُ الْخَطَايَا كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ، وَإِنَّ الْخُلُقَ السَّيِّئَ لَيَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۸ق، ۲۳۳).

۵- «إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لَيَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۱: ۲۹۳).

۶- «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُعَلَّى الدَّمَشَقِيُّ، ثنا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ، ثنا مُخَيْسُ بْنُ تَمِيمٍ، عَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ الْغَضَبَ يَفْسِدُ الْأَمْرَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ» (طبرانی، المعجم الكبير، ۱۹: ۴۱۷).

۷- «حَدَّثَنَا أَبُو سَعْدٍ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاعِظُ، وَأَبُو حَازِمٍ الْحَافِظُ، قَالَا: نَا أَبُو عَمْرٍو إِسْمَاعِيلُ بْنُ نُجَيْدٍ السُّلَمِيُّ، نَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْخَلِيلِ، نَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ الدَّمَشَقِيُّ، نَا مُخَيْسُ بْنُ تَمِيمٍ، عَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ الْغَضَبَ لَيَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ» (بيهقی، ۱۴۲۳ق، ۱۰: ۵۳۱).

۸- «الْغَضَبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ» (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۱۱۴).

۴. ارزیابی صدور روایات

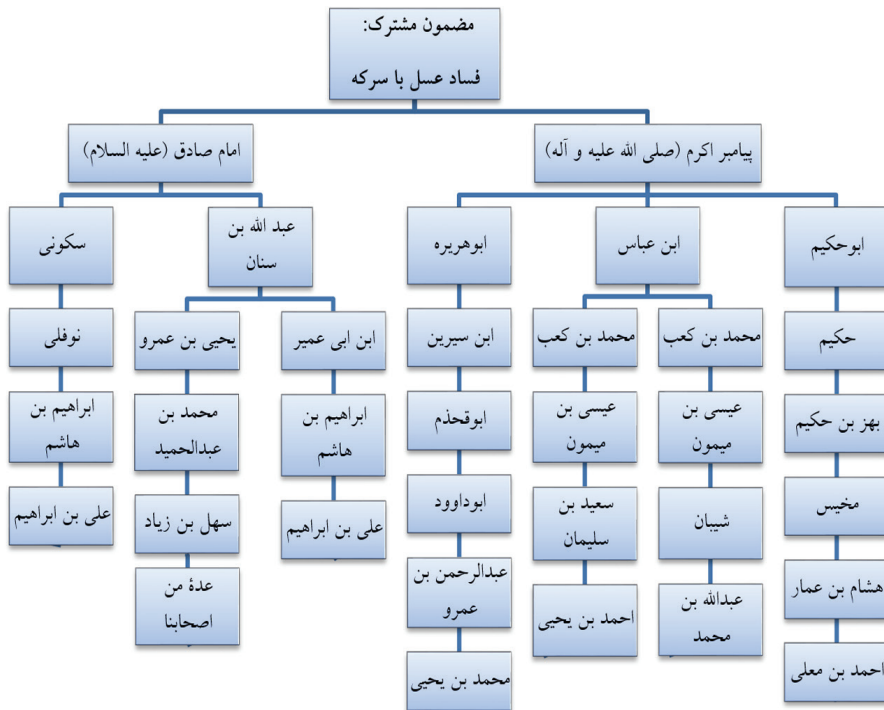
این بخش از مقاله در سه محور به شرح زیر انجام می‌گیرد:

۴-۱. تحلیل رجالی اسناد روایات

در بین روایات شیعی، روایت اول صحیح است؛ زیرا علی بن ابراهیم ثقه است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۶۰) و ابراهیم بن هاشم نیز در درجات والای وثاقت است و ابن ابی عمیر هم موثق (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۳۶۵) و بزرگوار نزد شیعه و سنی است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۲۶) و عبدالله بن سنان هم ثقه است و هیچ نقصی درباره او نرسیده است (همان، ۲۱۴). روایت دوم نیز به جهت یحیی بن عمرو که توثیقی ندارد ضعیف است. روایت سوم هم مرحوم صدوق از طریق راویان اهل سنت چون ابوبکر محمد بن عبدالله نیشاپوری نقل کرده است که از نظر شیعه موثق نیست. روایت چهارم هم مرسل است و روایت پنجم موثق است؛ زیرا گفته شد علی بن ابراهیم موثق است و سکونی هم موثق است (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۱۴۹) و بسیاری از متأخرین و معاصرین هم او را امامی می‌دانند (رک: استرآبادی، ۱۴۲۲ ق، ۲: ۳۰۶-۳۰۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۳ ق، ۶۴-۶۵؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ ق، ۲: ۱۲۴-۱۲۵؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ۲۲: ۱۶۳-۱۶۹).

در مورد نوفلی (الحسین بن یزید النوفلی) هم اولاً تضعیفی که دلالت بر کذب او کند وجود ندارد و ثانیاً، ادله زیادی بر وثاقت او وجود دارد مانند شیخ الاجازه بودن و نقل بزرگان حدیث از او. همچنین در مورد این تکه و کلیشه سندی یعنی «عن النوفلی عن السکونی» بسیاری از معاصران مانند امام خمینی این سند یعنی روایاتی که نوفلی از سکونی نقل کرده است را موثق دانسته‌اند (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ۲: ۳۱-۳۲). روایت ششم نیز مرسل است. در روایت هفتم نیز استناد کتاب ثابت نشده و روایت هشتم هم مرسل است.

روایات اهل سنت نیز نیاز به بررسی سندی ندارند زیرا عموم راویان ایشان از نظر شیعه موثق نیستند؛ اما قدر متیقن و مشترک این روایات با روایات شیعی می‌تواند شاهدهی بر صحت صدور قدر متیقن روایات شیعی باشند که در بحث تحلیل دلالتی از آن بحث خواهد شد. بنابراین، کارکرد نقل آن‌ها در این مقاله، نقش قرینه‌سازی آن‌ها در ارزیابی نهایی وضعیت دلالتی و سندی روایات شیعی است. از نظر تعداد طرق جهت قرینه‌افزایی بر صدور مضمون مشترک این روایات نیز نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد این روایات در میان فریقین (به صورت مجموعی) در حد استفاضه است.



نمودار شماره ۲: سلسله راویان در نقل های مسند از روایت در جوامع فریقین

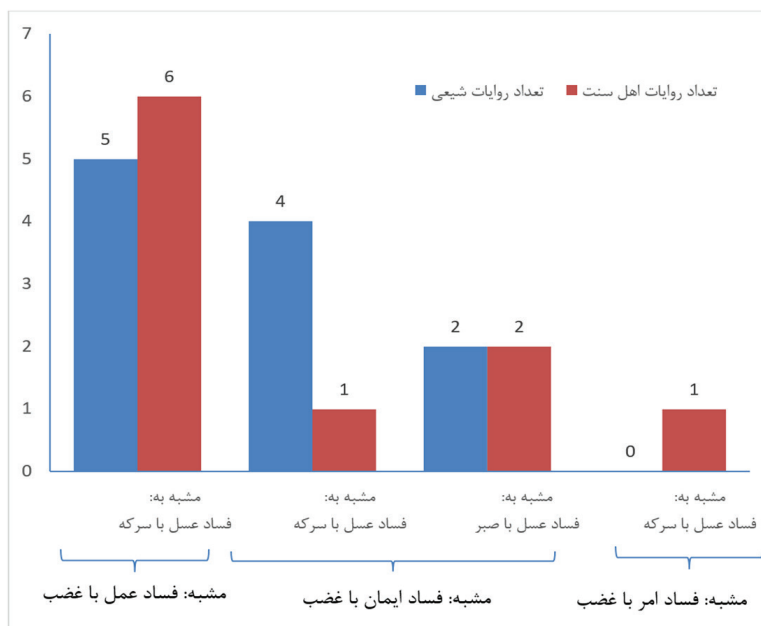
همانطور که نمودار نشان می‌دهد تنها ۵ طریق از معصوم (ع) به بعد وجود دارد و لذا مستفیض است و اگر کسی به حسب ظاهر یعنی با نگاه به راوی اخیر قضاوت کند و بگوید هفت طریق است و در نتیجه حکم به تظافر روایات بدهد، حکمی نادرست داده است؛ زیرا تعدد سند در صورتی است که در کل سلسله سندهای متعدد تا معصوم، راوی مشترکی بین طرق وجود نداشته باشد.

۴-۲. معرفی مضامین محوری روایات جهت قرینه‌یابی برای تحلیل صدوری

این تحلیل برای این هدف انجام می‌شود که قدر مشترک روایات استحصال شود تا در صورت پراکنش قوی این قدر مشترک بر حول محورهای خاص، در بحث نهایی ارزیابی صدوری روایات که پس از این بحث ارائه می‌شود، از این مضمون مشترک به عنوان یک قرینه در کنار ارزیابی رجالی که در بحث قبل بود بهره‌گیری

شود. در راستای کشف مضمون یا مضامین محوری، برخی مباحث علاجی مربوط به تصحیف هم در این بخش انجام می‌گیرد. جدول و نمودار شماره ۳ که به تحلیل مضامین موجود در این روایات پرداخته‌اند نشان می‌دهند مضمون محوری این روایات تشبیهی است که در دو طرف تشبیه نقل‌ها قدری تفاوت دارد که آن قدر اشتراک و این تفاوت‌ها در جدول و خصوصاً نمودار به وضوح قابل مشاهده است.

ردیف	مشبه	مشبه به	تعداد روایات شیعی	تعداد روایات اهل سنت
۱	فساد عمل با غضب	فساد غسل با سرکه	۵	۶
۲	فساد ایمان با غضب	فساد غسل با سرکه	۴	۱
		فساد غسل با صبر	۲	۲
۳	فساد امر با غضب	فساد غسل با سرکه	۰	۱



نمودار شماره ۳: فراوانی روایات در جوامع فریقین بر حسب مشبه و مشبه به

چهار روایتی که مشتمل بر تشبیه فساد «غسل» با «صبر» هستند، قابل اعتنا نیستند؛ زیرا اولاً دو روایت آن یعنی روایات هفت و هشت در بخش روایات اهل سنت، به جهت اینکه از طرق اهل سنت است نزد ما موثق نیستند بلکه از نظر مبانی اهل سنت نیز این دو روایت ضعیف هستند؛ زیرا روایت دیلمی در «الفردوس» که مرسل است و روایت بیهقی نیز که از «بهز» نقل شده از نظر ایشان مجهول و باطل است. (ابن ابی حاتم، ۱۴۲۷ق، ۳: ۵۴۳). همچنین دو روایت دیگر که شیعی هستند نیز از نظر سند ضعیف هستند؛ زیرا روایت ابن اشعث به جهت ضعف کتاب قابل اعتنا نیست و روایت راوندی هم مرسل است و به نظر می‌رسد این دو از کتب اهل سنت در جوامع ما نقل شده‌اند. ثانیاً، به نظر می‌رسد در این روایات تصحیفی رخ داده است به این صورت که «صبر» در اصل همان «خل» بوده به جهت کوتاه نوشتن دسته «ل» و گرد کردن «خ» به صورت صبر خوانده شده است. همچنین این روایات در کتب شیعی با نقلی مضطرب روایت شده است؛ زیرا راوندی «خل» و «صبر» هر دو را با هم در یک روایت نقل کرده و نوشته است: «كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ أَوْ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ»؛ یعنی «خل» و «صبر» را با «أَوْ» از هم جدا کرده است که تعبیر «أَوْ» ظاهراً ناشی از تردید راوی است و ابن اشعث آن دو را با «واو» از هم جدا کرده است.

۳-۴. ارزیابی نهایی صدور احادیث بر اساس تحلیل سندی و مضمونی

بنابر تحلیل‌های سندی و دلالتی پیش‌گفته، می‌توان گفت در این تشبیه‌ها، صدور مشبه یعنی فساد ایمان و فساد عمل مورد اطمینان است؛ زیرا اولاً یکی از نقل‌های این دو مضمون از نظر سندی موثق بود همانطور کثرت و بسامد بالای این دو مضمون که در جدول و نمودار شماره ۳ نشان داده شد می‌تواند قرینه‌ای بر صدور آن‌ها باشد. البته نباید پنداشت این دو مضمون با هم در تعارض هستند؛ زیرا عمل و ایمان هر دو در حقیقت و گوهر خود به تقویت هم می‌پردازند و ایمان و عمل از هم هستند. از این‌رو، این تفاوت تعبیر موجه است. روایتی که مشبه را هم «امر» معرفی کرده اعتبار سندی دارد و متفرد در مضمون هم هست. اما مشبه‌به که فساد غسل با سرکه باشد در دو دسته روایت یعنی چه مشبه را ایمان یا عمل معرفی کرده‌اند، امری اشتراکی است بنابراین، هم به جهت وثاقت سندی و هم کثرت روایات دال بر این بخش در جوامع فریقین، می‌توان با اطمینان بسیار بالایی گفت مشبه‌به که محل بحث این مقاله هم تحلیل همین بخش است، صادر شده است.

۵. اندیشه مشهور در تحلیل دلالتی روایات

بخش چالشی در مضمون این روایات که اندیشه‌های شارحان هم در اطراف آن شکل گرفته است، همان مشبه‌به یعنی فساد عسل با سرکه، است. برخی شارحان کافی در این مورد نوشته‌اند این روایات، نوعی تشبیه معقول به محسوس برای زیاد شدن ایضاح است. ایشان اصل معارضه این روایات با تجربه بشر را مسلم انگاشته و در شرح روایات به حل این معارضه پرداخته و نوشته‌اند: همانطور که وقتی عسل با سرکه مخلوط می‌شود شیرینی و خاصیت^۱ آن از بین می‌رود و مجموعه حاصله چیزی دیگر می‌شود، همینطور ایمان وقتی غضب در آن وارد می‌شود فاسد می‌شود و بر خلوص خود نمی‌ماند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰: ۱۴۱؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۹: ۲۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۷ش). فیض کاشانی به شرح این روایت پرداخته (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۵: ۸۸۷) و در میان معاصران نیز مرحوم غفاری در تعلیقه بر کافی در شرح حدیث «الْغَضْبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» همان نگرش مرحوم مجلسی و مازندرانی را تکرار کرده و نوشته است: «أَي يَذْهَبُ حَلَاوَتَهُ وَخَاصِيَّتَهُ وَصَارَ الْمَجْمُوعُ شَيْئاً آخِراً» (غفاری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۰۲). امام خمینی نیز در این زمینه فرموده است: یعنی شیرینی لطیف را مبدل به تلخی و ترشی غیر مطبوع نماید (خمینی، ۱۳۸۷ش، ۲۴۶).

شارحان اهل سنت نیز با بیانی مشابه با شارحان شیعی نوشته‌اند: یعنی طعم عسل را از شیرینی و خلوص به غیر آن تغییر می‌دهد و رنگ آن را هم عوض می‌کند (کحلانی، ۱۴۳۲ق، ۶: ۵۳). یا مقصود از افساد عسل با سرکه این است که سرکه عسل را از عسل بودن تغییر می‌دهد و گرنه سکنجبین یک دارو است (عزیزی، بی‌تا، ۳: ۱۴۴). همین نگرش در نادری از کتب اصولی و فقهی که به شرح روایت به تناسب بحث خود پرداخته‌اند هم تکرار شده است (اعتمادی، ۱۳۸۱ق، ۳۰۲).

این توضیحات چه در شروح شیعی و چه سنی همگی فرض را بر ترکیب عسل و سرکه انگاشته‌اند و فساد را در مرکب حاصله تفسیر کرده‌اند اما نوشتار فرارو فساد را در هم جواری و نه ترکیب جستجو کرده و معتقد است ترکیب، خلاف ظاهر روایات است. اندیشه ایشان عموماً ریشه در همان نگره فلسفی دارد که از فیلسوفانی چون ابن‌رشد در بحث از مفاهیم تحقیق در توضیح مفهوم سکنجبین بیان شد یعنی تغییر در صورت و ایجاد صورتی جدید.

۱. منظور از از بین رفتن خاصیت، بی‌فایده شدن نیست که در عرف کنونی خاصیت به معنای سود و فایده و اثر مفید به کار می‌رود بلکه خاصیت در کلام علما به معنای اثری است که بر صورت نوعیه یک شیء مادی مترتب می‌شود.

برخی هم بر ظاهر روایت که تعبیر «فساد» در آن به کار رفته اصرار کرده و بدون هیچ توضیح و توجیه و تأویلی که شارحان شیعی و سنی انجام دادند گفته‌اند: عسل در اثر مخلوط شدن با سرکه به همین معنای عرفی فاسد می‌شود و این دو ضد هم هستند و همانطور که انگور به خمر و خمر به سرکه تغییر می‌یابد تغییر حاصل از خلط سرکه و عسل هم از این دست است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱ق، ۱۰: ۷۴). روشن است این اندیشه اخیر که شاذ هم هست، خلاف بدهات وجدان و تجربه ما است که در مقدمه خصوصاً پاورقی بحثی در آنجا به این بدهات و تجربه اشاره شد.

۶. نقد اندیشه مشهور در تحلیل دلالتی

اولین اشکالی که بر اندیشه مشهور وارد است این است که با لغت «فساد» سازگار نیست و خلاف ظاهر این لغت که در مفاهیم بیان شد است. دومین اشکال اندیشه مشهور این است که طبق این تفسیر از حدیث، تشبیه موجود در این روایات نارسا خواهد شد. توضیح اینکه در این روایات، سه قضیه وجود دارد: فاسد شدن ایمان با غضب، فاسد شدن عسل با سرکه، تشبیه آن فساد به این فساد. روشن است که مقصود از فساد ایمان با غضب، آسیب دیدن آن یا از بین رفتن آن و تبدیل شدن آن به موجودی نازکارا است و مقصود اصلی این روایات، آسیب زدن سنگین غضب به گوهر ایمان و خراب کردن آن است. نگاهی به روایات دیگر در نكوهش غضب، این رهیافت را تثبیت می‌کند. مانند:

غضب، رجز شیطان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۰۲). غضب، از لشکریان جهل است (همان، ۱: ۲۱). غضب، سنگی گدازان از شیطان است که در قلب انسان افروخته می‌شود (همان، ۲: ۳۰۴). غضب، کلید هر شر است (همان، ۳۰۳). غضب، سخت‌ترین چیز است و بسا به قتل و تهمت به بی‌گناهان بیانجامد (همان، ۳۰۳). غضب، قلب حکیم رانابود می‌کند (همان، ۳۰۵). کسی که مالک غضب خود نباشد، مالک عقلش نیست (همان). از طرف دیگر، ار آنجا که سرکه و عسل و فساد عسل با چشم ظاهر دیدنی است و ایمان و غضب و فساد ایمان با چشم ظاهر نادیدنی است، این تشبیه، تشبیه معقول به محسوس است و تشبیه معقول به محسوس به جهت آن است که نفس به جهت انس با محسوس به آن معقول پی برد (مغربی، بی‌تا، ۲: ۹۸) مثلاً وقتی علم را به نور تشبیه می‌کنند، تشبیه معقول به محسوس است که وجه شبه این دو هدایت است (تفتازانی، ۱۳۷۶ش، ۱۹۶).

حال اگر مقصود از فاسد شدن غسل با سرکہ را فاسد شدن صورت آن بگیریم کہ مشہور با اتکا بہ اندیشہ‌ہای فیلسوفانی چون ابن‌رشد بیان کردند، آیا این تشبیہ موجہ خواہد بود؟! آیا وجہ شبہ در این تشبیہ حامل پیامی است؟! روشن است کہ پیام تشبیہ کہ خراب شدن ایمان با غضب باشد، تنہا در صورتی است کہ یک نوع خرابی واضح و محسوس در اثر سرکہ در غسل ایجاد شود و بدون شک سکنجبین ہرگز پدیدہ‌ای فاسد نیست بلکہ شربتی گوارا و لذیذ است کہ در مفاہیم تحقیق ہم گفته شد دارای خواص درمانی بی‌شماری است.

۷. تشکیل خانوادہ حدیث با محوریت واژہ افساد

خانوادہ حدیث عبارت است از احادیث مشابہ، ہم‌مضمون و ناظر بہ یک موضوع محوری است کہ بہ فہم نسبت‌های آن‌ہا با یکدیگر کمک می‌کند (مسعودی، ۱۳۸۹ ش، ۱۵۰ - ۱۵۱). یکی از کارکردہای مہم جمع‌آوری خانوادہ حدیث، تحلیل محتوای روایات است؛ زیرا تجمیع احادیث مرتبط با موضوع یک روایت، در مطالعہ و بررسی کامل احادیث و درک درست از آن‌ہا در سایہ رسیدن بہ یک نظام معرفتی جامع و یکدست و ہمچنین معنایابی از عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مبین و نیز حل تعارض‌ہا از ضروریات است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ۱۴۵، ۱۶۲، ۴۷۴؛ مسعودی، ۱۳۸۹ ش، ۱۵۰، ۱۶۹). کارکردی کہ در این بخش از نوشتار فرارو مورد نظر است، تفسیر معنای «افساد» در سایہ روایات موجود در این زمینہ است همانطور کہ در نقد اندیشہ مشہور در بحث قبل نیز از ہمین الگو برای تحلیل فساد ایمان با غضب استفادہ شد. نگارندہ در این راستا ہمہ روایات موجود در کتاب کافی بہ عنوان یک جامع روایی کہ مشتمل بر تعبیر «افساد» و مشتقات آن است را بررسی کردہ و در یک گونه‌شناسی، این جامعہ آماری را دستہ‌بندی کردہ و بہ تحلیل گونه‌های آن پرداختہ است. توضیح اینکہ با جستجوی ہمہ ساختارہای صرفی مادہ «ف س د» در این باب مزید (یعنی چہارہ صیغہ آن در باب افعال) و تحلیل معانی آن‌ہا و حذف مشترکات این معانی بہ یک گونه‌شناسی در استعمال آن کہ بہ نوعی حصر عقلی نیز با این استقرا موافقت دارد و اعتبار و پایایی آن را تقویت می‌کند (کہ حصر عقلی^۱ نیز با این استقرا موافقت دارد و اعتبار و با این موافقت، پایایی آن را تقویت

۱. توضیح اینکہ در ہر افسادی یا ہر دو طرف در ماہیت مادی بودن یا غیر مادی بودن یکسان ہستند یا خیر. صورت اول خود دو صورت دارد: یا ہر دو طرف معنوی (غیر مادی) است و یا ہر دو مادی؛ و صورت دوم یعنی ناپکسانی در مادی و غیر مادی بودن کہ یک طرف مادی و دیگری معنوی (غیر مادی) است نیز دو صورت دارد: یا طرف اول یعنی فاسدکنندہ مادی است فاسدشوندہ غیر مادی است و یا طرف دوم یعنی فاسدشوندہ مادی است و طرف اول یعنی فاسدکنندہ غیر مادی است. در نتیجہ چہار صورت ایجاد می‌شود.

می‌کند) دست یافته که به شرح زیر ارائه می‌شود:

فاسد کردن عبادت و امری معنوی توسط امر معنوی (غیر مادی) دیگر مانند فساد عمل با عجب: «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعُجْبِ الَّذِي يَفْسِدُ الْعَمَلَ فَقَالَ الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَزِينَ لِلْعَبْدِ سُوءَ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يَحْسِنُ صُنْعًا وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيُؤْمِنَنَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِيهِ الْمَنُّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۱۳).

فاسد کردن یک امر مادی توسط امر دیگری مانند فساد آب با تغییر در اثر نجاسات: «وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: مَاءُ الْبُئْرِ وَاسِعٌ لَا يَفْسِدُهُ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَتَغَيَّرَ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۵) و نیز مانند فاسد کردن میوه و باغ توسط رفتار انسان مانند له کردن میوه و شکستن شاخه و غیره در روایت: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يُمُرُّ عَلَى الثَّمَرِ وَ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ لَا يَفْسِدُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۵۶۹) و نیز مانند فاسدن کردن لباس توسط رختشویی در روایت «عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْقَصَارِ يَفْسِدُ قَالَ كُلُّ أَجِيرٍ يَعْطَى الْأَجْرَ عَلَى أَنْ يَصْلِحَ فَيَفْسِدُ فَهُوَ ضَامِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۲۴۱) که در اینجا مقصود از افساد، اموری مثل پاره کردن، تغییر رنگ و امثال

آن است همانطور که در روایت دیگری سوزاندن را نوعی افساد رختشویی دانسته‌اند: «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الثُّوبِ أَذْفَعُهُ إِلَى الْقَصَّارِ فَيَحْرِقُهُ قَالَ أَغْرَمَهُ فَإِنَّكَ إِنَّمَا دَفَعْتَهُ إِلَيْهِ لِيَصْلِحَهُ وَ لَمْ تَدْفَعْهُ إِلَيْهِ لِيَفْسِدَهُ» (همان، ۲۴۲).

فاسد کردن گوارش توسط غذا مانند روایت «عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ زَائِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْبِلَادِ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ النَّبِيذِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ فَقَالَ إِنَّهُ يَوْضَعُ فِيهِ الْعَكْرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع بِئْسَ الشَّرَابُ وَ لَكِنْ انْبُدُوهُ غُدُوهُ وَ اشْرَبُوهُ بِالْعَيْشِيِّ قَالَ فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا يَفْسِدُ بَطُونَنَا قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَفْسَدُ لِبَطْنِكَ أَنْ تَشْرَبَ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ» (همان، ۶: ۴۱۵).

فاسد کردن امر معنوی توسط امر مادی مانند فساد طهارت با مبطلات آن: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْءِ يَجَامِعُهَا زَوْجَهَا فَتَحْيِضُ وَ هِيَ فِي الْمَغْتَسِلِ تَغْتَسِلُ أَوْ لَا تَغْتَسِلُ قَالَ قَدْ جَاءَهَا مَا يَفْسِدُ الصَّلَاةَ فَلَا تَغْتَسِ» (همان، ۳: ۸۳). فاسد کردن امر مادی توسط امر معنوی مانند همسرگزینی زن شوهر مرده که امری معنوی است و اثر آن در افساد ارث در روایت «عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ: إِنَّمَا جُعِلَ لِلْمَرْءِ قِيمَةُ الْحَشَبِ وَ الطُّوبِ كَيْلًا يَتَزَوَّجَنَّ فَيَدْخُلَ عَلَيْهِمْ يَعْنِي أَهْلَ الْمَوَارِيثِ مَنْ يَفْسِدُ مَوَارِيثَهُمْ» (همان، ۷: ۱۲۹) که افساد ارث در اینجا

یعنی کم شدن سهم ارث افراد که توسط فردی غریبه یا وارد شدن او به زمین‌ها و اموال غیرمنقول ایشان که وجود فرد ناآشنا و غیر از خویشاوندان در این امور باعث اختلاف می‌شود. همانطور که این گونه‌شناسی قیاسی - استقرائی نشان می‌دهد، اولاً فساد در هر چیز به تناسب آن است و ثانیاً، در همه موارد فساد و افساد به معنای واقعی لفظ است نه صورتی فلسفی و تاویلی که مشهور انگاشته‌اند و خلاف عرف و محاوره است؛ خصوصاً در صورت دوم که فاسد شدن عسل با سرکه نیز مصداق همان صورت است و از این‌رو نگارنده مثال‌های بیشتری از جامعه آماری خود را در این نمونه ارائه کرده است. در این صورت دوم، هر دو طرف، امری مادی هستند و در همه مثال‌های روایی موجود، فساد امر مادی توسط امر مادی دیگر یک حقیقت مشهود و محسوس و ملموس با حواس ظاهری است و از این‌رو عسل هم باید در اثر سرکه واقعاً فاسد شود نه اینکه صورت آن شکسته شود و نوعی فساد تاویلی در آن رخ دهد.

۸. ارائه تفسیر مختار

به نظر می‌رسد با توجه به توضیحی که در فرآیند تولید سرکه در مفاهیم تحقیق گفته شد، مقصود از افساد سرکه توسط عسل، هم‌جواری عسل با سرکه و در نتیجه تاثیر میکروارگانیزم‌های موجود در سرکه است که عسل را تخمیر می‌کنند و باعث فساد و ترشیدگی آن می‌شوند نه اینکه مقصود ترکیب حاصله از آمیخت سرکه و عسل باشد. البته ترش شدن عسل، در اثر عوامل مختلف مانند رطوبت محیط و مورد تایید متخصصان عسل نیز هست (رک به: یوئیرش، ۱۳۴۸ ش، ۶۷، ۸۴). در این بخش اثبات خواهد شد همین که سرکه در کنار عسل قرار گیرد، این میکروارگانیزم‌ها که به صورت هوازی فعالیت می‌کنند و در سرکه هم وجود دارند و علی‌الدوام مواد قندی مختصری که در سرکه مانده است را به اسید استیک تبدیل می‌کنند (و از این‌رو سرکه هرچه کهنه‌تر باشد ترشی بالاتری دارد)، به تخمیر مواد قندی موجود در عسل می‌پردازند. توضیح اینکه همانطور که در تالیفات مربوط به شیمی مواد غذایی مانند کتاب رابرت دبلیو اچ گفته شده است، انواع میوه‌های شیرین چون سیب و خرما و گلابی و انگور و غیره که در ساخت سرکه به کار می‌روند، عسل نیز از دیرباز در تولید سرکه به کار رفته است و این به علت وجود میزان بالای قند در عسل است (Robert, 2006, 348) که در مفاهیم تحقیق نیز در ترکیبات عسل به میزان قند آن اشاره شد. از این‌رو مخمرها در عسل به علت غلظت بالای شکر به راحتی رشد می‌کنند (Giudici, 2009, 85) و

عسل اگر در شرایط هوایی قرار گیرد و رطوبت کافی برای آن فراهم شود، می‌تواند در معرض تخمیر قرار گیرد (Ray, 2005, 282, 481) مخمرها اسموفیلی (Osmophilic) یا مخمرهای قنددوست که در درون عسل وجود دارد، می‌توانند تحت شرایط اسیدی رشد کنند و این مخمر توسط ساکارز که معمولاً رشد مخمرها را مهار می‌کند (و از این‌رو عسل ماندگاری دارد)، نیز مهار نمی‌شوند (Ocliver, 1996, 8-9 Dean) در گذشته نیز از عسل شراب و سرکه تولید می‌کرده‌اند که تحقیقات نشان می‌دهد سابقه تولید الکل از عسل به دوران باستان می‌رسد (Robert, 2006, 5).

از طرفی، در سرکه، باقی‌مانده‌ای از مخمرها و الکل موجود و نیز باکتری‌های فرسوده و میکروارگانیزم‌ها و دیاستازهای اکسیدکننده وجود دارد که در طول زمان از بین می‌روند (رضوی‌زاده، ۱۳۸۶ ش، ۴۷-۴۸). خصوصاً وقتی که سرکه به تازگی از تفاله جدا شده باشد و هنوز برخی از مگس‌های آن زنده و بالغ باشند. توضیح این‌که مگس سرکه (*Drosophila Melanogaster*) قبل از بروز به شکل پشه و دارای بال کامل، به صورت تخم و سپس لارو که کرمی شکل است و سپس آغاز بال‌داری و بعد بال‌داری می‌رسد (گاسپاریان و کولیانس، ۱۳۵۴ ش، ۲). مخمر یکی از جیره‌های غذایی مهم برای مگس سرکه است و محیط رشد آن باید غلظت کافی و نیز قند کافی برای تغذیه لاروها و مخمرها را داشته باشد (دمرک و کافمن، ۱۳۷۰ ش، ۱۷-۱۸). همچنین در بند قبل گفته شد مخمرهایی درون عسل نیز وجود دارند که در شرایط اسیدی به راحتی رشد می‌کنند و عسل را فاسد می‌کنند.

بنابراین تحلیل، مقصود روایاتی که فساد ایمان با غضب را به فساد عسل با سرکه تشبیه کرده‌اند، نه فساد عسل در اثر آمیختن با سرکه و تولید سکنجبین است بلکه فساد عسل در اثر هم‌جواری با سرکه و تأثیر از پشه زنده در سرکه و یا میکروارگانیزم‌های موجود در سرکه است که از طریق هوا به عسل منتقل شده و در محیط قندی عسل رشد کرده و آن را تخمیر و فاسد می‌کنند.

ممکن است اشکال شود که در ترکیبی که در قانون ابن‌سینا گفته است، سرکه و عسل و آب و نمک است (ابن‌سینا، ۱۴۲۶ق، ۴: ۴۹۲). اما این عیب ندارد چون نزاع پژوه فرارو در تعیین معنای اکسومالی یا سکنجبین واقعی نیست بلکه در اثر سرکه بر عسل با ترکیب است و در هر صورت بالاخره نوعی از سکنجبین با سرکه و عسل به تنهایی قابل تولید است و در این ترکیب هم می‌دانیم و می‌بینیم که سرکه هم عسل را فاسد نمی‌کند و این نقض بر معنای ظاهری روایات وارد است که باید حل شود.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش فرارو پس از بررسی سندی و دلالتی روایات در این موضوع، اندیشه مشهور در فقه الحدیث این موضوع را نقادی کرده و به تحلیل علمی آن‌ها پرداخت. این تحقیق نشان داد با توجه به تعدد طرق در نزد فریقین و نیز صحت برخی اسناد، در حد اطمینان مورد قبولی می‌توان گفت اصل تشبیه از معصوم صادر شده است. در تحلیل این تشبیه، نویسنده اندیشه مشهور را نادرست ارزیابی کرد و خود به تحلیل روایت بر اساس ماهیت شیمیایی عسل و سرکه پرداخت و بدون آنکه از ظاهر روایت و تعبیر «فساد» دست بدارد و به دام تاویل مشهور بغلتد و بدون اینکه به معنای بدوی حدیث ملتزم شود و آمیخت سرکه و عسل را مفسد عسل بداند که خلاف علم و تجربه است، فساد عسل در اثر سرکه را تبیین نمود.

نتایج تحقیق در پاسخ به پرسش‌های پژوهش که در مقدمه ارائه شدند به شرح زیر است:

۱. مضمون اصلی این روایات یعنی تشبیه فساد ایمان یا عمل به فساد عسل با سرکه، موثق است.
۲. تعبیر فساد در این روایات، ظهور واضحی در تخریب عسل با سرکه دارد.
۳. اندیشه مشهور محدثان در شرح این فساد با اصول استنباط سازگار نیست و خلاف ظاهر حدیث و نوعی تاویل بی‌دلیل است و تشکیل خانواده حدیث در تحلیل لفظ «افساد» نیز آن را تایید نمی‌کند.
۴. اندیشه مشهور محدثان در شرح این فساد با تحقیقات علمی تجربی و بلکه تجربه شخصی نیز سازگار نیست.
۵. فساد عسل در این روایات، فساد تخمیری است؛ به این معنا که عسل در اثر هم‌جواری با سرکه و در طول زمان که لاروها و باکتری‌های موجود در سرکه قندهای عسل را تخمیر می‌کنند، به معنای حقیقی لفظ «فساد» فاسد و خراب و ناکارآمد می‌شود و دیگر قابل استفاده نیست. این اندیشه مورد تایید لغت، ظاهر روایت و نیز تشکیل خانواده حدیث در تحلیل لفظ «افساد» است.

منابع

- ابن ابی‌الدنیا، ابوبکر عبدالله بن محمد، مداراه الناس، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۸ق.
 ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، العلیل لابن ابی‌حاتم، بی‌جا، مطابع الحمیضی، ۱۴۲۷ق.
 ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی‌تا.

- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، جمهرة اللغة، ۱۹۸۸م.
 ابن سهل، ابوزید احمد، مصالح الأبدان و الأنفس، قاهره، معهد المخطوطات العربیه، ۱۴۲۶ق.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله، القانون فی الطب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۶ق.
 ابن عدیم، عمر بن احمد، الوصله إلى الحبيب فی وصف الطیبات و الطیب، حلب، معهد التراث العلمی العربی، ۱۳۶۴ش.
 ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
 ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
 ابن نفیس، علی بن ابی حزم، مبادئ الطب، بیروت، دار العلوم، ۱۴۲۶ق.
 ابن هندو، علی بن حسین، مفتاح الطب و منهاج الطلاب، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۸ش.
 ابن رشد، محمد بن احمد، تفسیر مابعدالطبیعه، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.
 ابو الشیخ، عبدالله بن محمد، کتاب الأمثال فی الحدیث النبوی، بمبئی، الدار السلفیه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
 ابوریه، محمود، «معركة الذباب»، مجله الرساله، ۱۳۷۱ق، شماره ۹۶۴، صص ۱۴۴۴- ۱۴۴۵.
 اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
 ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
 استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۲ق.
 اعتمادی، مصطفی، موضح القوانین، قم، نشر مولف، چاپ سوم، ۱۳۸۱ق.
 برگ، پارتیشا و پاول سی، سراگ، شگفتی های سرکه سیب، ترجمه مسعود فلاحی و سید احمد پناهی، تهران، نشر بارثاوا، چاپ ششم، ۱۳۸۰ش.
 بیهقی، احمد بن حسین، شعب الإیمان، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۳ق.
 تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، قم، دار الفکر، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
 جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
 حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۶ق.
 حسینی شیرازی، محمد، الوصائل الی الرسائل، قم، نشر مؤسسه عاشورا، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
 حکیم، سید محسن طباطبایی، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۰ق.
 حلّی، حسن بن یوسف، القواعد الجلیه فی شرح الرساله الشمسیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
 خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ش.
 _____، توضیح المسائل، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
 _____، کتاب الطهاره، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱ق.
 خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر الثقافه، ۱۳۷۲ش.
 _____، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
 دمرک و کافن، راهنمای آزمایش های ژنتیکی و سیتولوژیکی با مگس سرکه، ترجمه دکتر ژیرایر

- کاراپتیان، ارومیه، انتشارات دانشگاه ارومیه و انزلی، ۱۳۷۰ش.
- دیلمی، شیرویه، الفردوس بـمـآثـور الخطـاب، بیروت، دار الکتب، ۱۴۰۶ق.
- رازی، محمد بن زکریا، رسائل طی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۴ش.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم، دار الکتب، بی تا.
- ربانی، حسن، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۹۶ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی حدیث «تاییر النخل» (ادعای خطای علمی پیامبر (ص) در لقاح و زوجیت گیاهان)»، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۸۸ش، شماره ۵۲، ص ۹۷-۱۱۰.
- _____، حدیث و علوم جدید، قم، جامعه المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.
- رضوی زاده، مرضیه، انواع سرکه و کاربرد آن، مشهد، شرکت به نشر، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
- زنجانی، سید موسی شیرازی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحکام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سبزواری، محمدباقر، کفایه الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- سید مرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
- سیستانی، سیدعلی حسینی، منهج الصالحین، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- شهید اول، ذکری الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- طباطبایی بروجردی (بحرالعلوم)، محمدمهملدی، الفوائد الرجالیه، تهران، مکتبه الصادق (ع)، ۱۳۶۳ش.
- طباطبایی، سید محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰ش.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، قاهره، دار الحرمین، بی تا.
- _____، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیة، چاپ دوم، بی تا.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- _____، رجال الطوسی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
- _____، العُدّة فی أصول الفقه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عزیزی، علی بن الشیخ أحمد، السراج المنیر شرح الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر، نشر بدون، بی تا.
- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغه، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ق.
- علی، صادق عبدالرضا، نهج البلاغه و الطب الحدیث، بیروت، دار المورخ العربی، ۱۴۲۴ق.
- غزالی، محمد، إحياء علوم الدین، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- فهمی تبار، حمیدرضا، «کاوشی در روایت تأییر النخل»، فصلنامه حدیث پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۴، صص ۱۸۵-۲۰۶.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- کحلانی، محمد بن اسماعیل، التَّنْوِیْرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، الرياض، مکتبه دار السلام، ۱۴۳۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- گاسپاریان، سرور و گریگور کولیانس، ژنتیک تجربی مگس سرکه، تهران، انتشارات وزارت علوم، ۱۳۵۴ش.
- لوک دارگیل، ژان، غسل برای سلامتی، ترجمه ساعد زمان، تهران، انتشارات فقیه، ۱۳۷۰ش.
- مازندرانی، محمدصالح، شرح الکافی - الأصول و الروضه (للمولوی صالح المازندرانی)، تهران، المکتبه

- الإسلامیه، ۱۳۸۲ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- _____، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، الرسائل التسع، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ق.
- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، قم، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
- مغربی، احمد بن محمد، مواهب الفتاح فی شرح تلخیص المفتاح، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیه، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج فقه (مبحث خیارات) مسجد اعظم قم، ۱۳۹۷/۱/۱۹ش.
- _____، کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۴ق.
- میرداماد، محمدباقر، الرواوح السماویة، قم، دار الخلافه، ۱۳۱۱ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- زراقی، احمد، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق.
- زراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ چهارم، بی تا.
- نصیری، علی، «حدیث ذباب: آموزه‌ای طبی یا حدیثی مجعول»، فصلنامه علوم حدیث، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۳، صص ۵۸-۷۱.
- _____، «نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی با تأکید بر روایت تلقیح خرما»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، پاییز ۱۳۹۱ش، شماره ۳۰، صص ۹-۲۰.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق.
- یزدی، عبدالله بن شهاب الدین، الحاشیه علی تهذیب المنطق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- یونیرش، ن، خواص پزشکی عسل و پرورش زنبور عسل، ترجمه ولی الله آصفی، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۴۸ش.
- Dean Ocliver, Jill Asnowdon, Microorganisms in Honey, International Journal of Food Microbiology, Volume 31, Issues 1-3, August 1996, Pages 1-26
- Deppenmeier U. & M. Hoffmeister & C. Prust, Biochemistry and Biotechnological Applications of Gluconobacter Strain, Applied Microbiology and Biotechnology, November 2002, Volume 60, Issue 3, pp 233-242.
- Giudici, L. Solieri, P. Vinegars of the World, Springer-Verlag Italia 2009.
- Martin R. Adams & Maurice O., Fermented and Microbial Foods, Third Edition, Royal Society of Chemistry, 2008.
- Ray, Bibek, Fundamental Food Microbiology, 3rd ed, CRC Press, 2005.
- Robert, W. H. Microbiology and Technology of Fermented Foods. Blackwell Publishing. 2006.

تحليل السندي و الدلالي للأحاديث التي تشبه «فساد الإيمان (أو العمل) بالغضب» بـ «فساد العسل بالخل»

مصطفى همداني

الملخص

إن أحد موضوعات الأحاديث في الجوامع الحديثية للشريعة و السنة هو تشبيه فساد الإيمان أو العمل (بحسب روايات مختلفة اللفاظ) بالغضب بفساد العسل بالخل. المشكلة في تحليل هذه الأحاديث هي: اليس خليط العسل مع الخل، المسمي بـ«السكنجيين» بحد ذاته شراباً أو دواء مفيداً؟! اذن فلماذا وصف هذه الاحاديث تلك الخليط بالفاسد؟! العلماء المفسرون لهذه الأحاديث يتأثرون بالموقف الفلسفي للحكماء الفلاسفة المشائين، وفي ضوء هذه التأثير قد فسروا الفساد بفساد صورة العسل وانحلاله واختفاء بعض الآثار مثل الحلويات و... اثر امتزاجه بالخل. هذه الدراسة بعد تقييم اسناد الأحاديث والتأكد من أن الموضوع الرئيسي لهذه الأحاديث التي تشبه فساد الإيمان بالغضب بفساد العسل بالخل، انتقد النظرة السائدة التي تبدو خاطئة. تسعى هذه الدراسة بعد ذلك إلى الحصول على تفسير صحيح للحديث ، بالإضافة إلى شرح أساليب النقد وفهم الحديث ، والتحليلات العلمية الجديدة لطبيعة الخل والعسل، والتفاعل المفترض بين هذين التركيبين الكيميائيين ، وهما تأثير العسل وسكرياته ببعوضة الخل (*Drosophila Melanogaster*)، وهو ينتج تدمير العسل وتخمييره و تنته بمرور الوقت، قد وضع الفساد على معناه الحرفي نفسه دون العدول عن ظاهر الحديث، وقد جعل معناه "الفساد التخمرية" المنتج من مجاورة الخل والعسل (دون الخلط معاً) و التأثير من العوامل الكيميائية في العسل من بعوضة الخل. والنتيجة النهائية هي أن هذه الاحاديث لا علاقة لها بالسكنجيين التي هي نتاج الاختلاط وحلها معاً.

الكلمات الدلالية

فقه الحديث، الإيمان، الغضب، العسل، الخل.

١. المتخرج علي مستوي الخارج في الفقه و الفلسفة في الحوزة العلمية بقم.

Ma1307vma@gmail.com

تاريخ القبول: ٩٧/٠٤/٢٠

تاريخ الوصول: ٩٧/٠٢/٢٤

٢٩٤